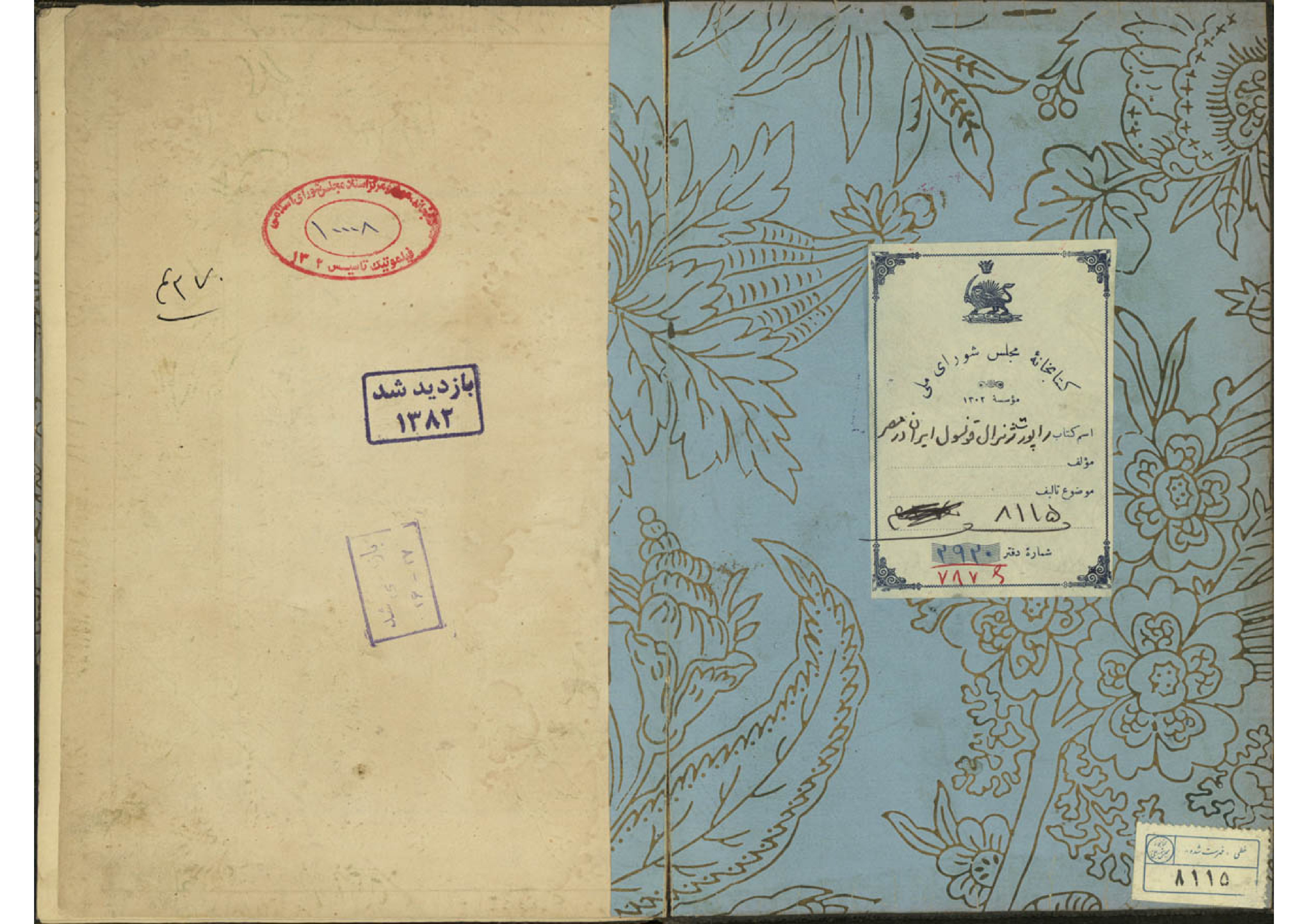


٤٢٧٠
بازدید شد
۱۳۸۲
کتابخانهٔ مجلس شورای ملی
مؤسسهٔ ۱۳۰۲
اسم کتاب راپورت ژنرال قونسول ایران در مصر
مؤلف
موضوع تالیف
۸۱۱۵
شمارهٔ دفتر ۲۹۲۰
۷۸۷۵
۸۱۱۵



۸

شرح راپورت مأموریت بندهٔ درگاه [illegible] که

بعضی مطالب متعلقه بجنرال قونسولگری دولت علیه در مصر

و معاینه و مشاهدهٔ جمعی کانال سوئیس و نفع و ضرر

آن بدولت علیهٔ ایران در سنه ۱۲۸۱

هجری مطابق با سنه ۱۸۶۵ میلادی

بسمه تبارک و تعالی

قبل از شروع مقصود لازم است وضع جغرافی مملکت مصر و نیز مسافت مابین بندر اسکندریه و بندر سوئیس برای دریا معلوم و سبب قرار دولت فرانسه [illegible] این عمده ترسیم نوشته شود تا زمان مطالعه مطلب مجهول نماند

بر ارباب معرفت جغرافی مبرهن است که مملکت مصر از سمت شمال بحر (مدیترانی) و از طرف جنوب (نوبه و حبش) و شرق بحر (احمر) و در غرب صحرای کبیر (افریقا) است

بندر (مدیترانی) شهر (اسکندریه) است که تجارت آسیا وارد و از این بندر میشود — (مدیترانه) بحر سفید را گویند

بندر بحر (احمر) شهر (سوئیس) که مال التجاره افریقا و هندوستان به این بندر داخل میشود

مسافت

مابین بندر اسکندریه و بندر سوئیس از سمت دریا [illegible] بخواهند کشتی [illegible] از سوئیس به اسکندریه برود باید بحر احمر را طی نموده داخل بحر محیط شده از دماغه (امید) افریقا که [illegible] (آتلانتیک) [illegible] عبور [illegible] از بوغاز (جبل الطارق) داخل بحر (مدیترانی) گردیده به بندر اسکندریه برسد تقریباً چهار هزار و چهارصد (لی) بحری است و هر لی از حساب مقدار مسافت [illegible] هزار و سیصد و هشتاد و هشت فرسخ میشود و واضح است که کشتی رانی در این مسافت بعیده [illegible] از جهت اضطراب [illegible] و [illegible] از صدمات امواج و تلاطم این دریا [illegible] معلوم و مجهول [illegible] نشود

[illegible] بحر [illegible] اروپا [illegible]

هر (لی) [illegible] هزار [illegible] متر است [illegible] فرسخ [illegible] میشود [illegible] فرسخ

مسافت

جریانی از طرف کمپانی در نهر مزبور حاضر و [illegible] از خشکی به جانب [illegible] قاطع [illegible]

میگردد روانه شده بعد از شش ساعت به قریه موسوم به (تل کبیر) رسیدیم این قریه [illegible]

بسیار خوب [illegible] باغات خوش طرح و عمارات عالیه بنا کرده اند شب در آن منزل [illegible]

[illegible] ترتیب [illegible] بود [illegible] شام

[illegible] مجلس به (سواری) [illegible]

با رخت خواب تمیز و نظیف مهیا بود

روز [illegible] شنبه [illegible] دقیقه [illegible] ساعت به مکان موسوم به (سانس الوادی) وارد شدیم که نهر مزبور از شهر مصر تا این مکان از جهات مرحوم محمد علی پاشا حکمران خطه مصر بود از همین مکان کمپانی شروع به حفر و احداث این نهر تا بندر (اسماعیلیه) نموده اند

طول	عرض	عمق
[illegible] الی اسماعیلیه [illegible] کیلومتر [illegible] فرسخ	[illegible] متر [illegible]	[illegible] الی [illegible] متر

[illegible] کیلومتر عبارت از [illegible] هزار متر [illegible] فرسخ [illegible]

[illegible] در کنار همین نهر جدید در بالای [illegible] عمارت کمپانی بنا کرده اند [illegible] یک پارچه سنگ الوان [illegible] از زیر خاک درآورده [illegible] که در آن منقور بود عبارت از اشکال انواع وحوش و طیور [illegible]

هسته زمانی که (دلسپس) از جانب (الحاکم) مأمور به شق ترعه مصر بود اینجا را برای قرارگاه

دو این تصور همان پادشاه با دو پسرش است بالجمله از آنجا روانه و نزدیک غروب وارد شهر

جدید الاحداث موسوم به (اسماعیلیه) شدیم زمان ورود اهالی و علاجات در سرای خاص گرفته

منزل بعد از صرف شام طی راه اخفته دو ساعت خیابان‌های ... جدید الاحداث با چراغ‌ها

زینت داده بودند مهمان‌ها در عمارات عالیه تقسیم نمودند

این شهر جدید الاحداث در قرب (ادک تمساح) واقع و مرکز وسط راه جسر وسطانی

(علاماتیاقی) است. این شهر را کمپانی در مدت سه چهار سال خیابان معمور داده که ابنیه عالی

تحریر نمایان بود گرد گرد در مدت قلیل خیابان شهر خوش ترکیب و خوش منظر بنا و مسطور نمود خیابانی

تقریباً به طول هزار قدم دو دروازه و وسط خیابان بطرز دروازه (طاق نصرت) در دو سر بازار

در برابر عمارات عالیه و مهمان خانه‌های جدیده و رقیق خانه و مدرسه و کلیسا

بجهت اهالی طوایف مذهبیه مسلمانان و عیسویان و محکمه جهت بجهت اعراب و مسجد و بازار و دکاکین

ساخته‌اند جمیع کوچه‌ها (شوسه) که ... بازاری از هر صنف درست کرده‌اند. چون ابتدای

این شهر شروع جلوس (اسماعیل پاشا) بحکمرانی اقلیم مصر شروع شده لهذا این شهر را

باسم ایشان نامیده‌اند. تلغراف خانه و پست خانه و کارخانه بزرگ جهت تهیه آب

هفت (کانال) بنا ساخته‌اند. سیم تلغراف از قصبه (زقازیق) تا ابتدای نهر سوئیس

۱۵۵/

(سوئیس) که در سمت (اسماعیلیه) ... رشته بود و از آن نقطه سیم در دو شعبه

دست راست در کنار نهر بطرف (سوئیس) می‌رود و دست چپ به (اسماعیلیه) و (پورت

سعید) کشیده شده

روز سه‌شنبه ۱۵ ذی القعده و ۱۱ ماه اردی بهشت با قایق‌ها ... قلعه موسوم به

(داماپکیش) رفتیم ... عمارت ... و باغچه ... با چرخ بخار آب شیرین از دریاچه

از عمارت و باغات را آبیاری می‌نماید. ... به تپه (سیراپیوم) که در معبر کانال جایی

واقع و از قصبه سایر نقاط ... است. در آنجا بازار عمارات جدیده به جهت صاحب منصبان کمپانی

و علاجات ساخته‌اند. ... بطرف ... موسوم به (طوسوم) ... فاصله دارد رفتیم

از آنجا (سرابیل الوادی) تا سوئیس که سابقاً ذکر شد در طرفین این نهر کمپانی بنای

آبادی و زراعت گذاشته‌اند. شب را در (اسماعیلیه) ماندیم و در سر ... جشن نقره‌اندازی

صرف شام ... و پای‌انداز بزرگ ...

روز چهارشنبه ۱۶ ذی القعده و ۱۲ اردی بهشت از (اسماعیلیه) با قایق به رفتیم

در ... رقیق بابر (اسماعیل پاشا) خدیو مصر قصری ساخته و منظورش به (الاده تمساح) و سقف

به (کانال) دریاچه است رفتیم. طول این ... نزدیک ... است. (کانال) از

وسط این ... عبور خواهد کرد و ... دیگر از این قصر ... مستقر به (البقوتیس)

طول این ترعه ... (کانال)

که [illegible] ریگی است با ارتفاع بیست ذرع منظره کمپانی این بود که این تپه را از سطح دریا [illegible] نمایند

بلندی از سنگهای مصنوعی درست میکردند در مقابل او بنا نهاده در روز دیدن قسم ریگی به کانال

نریزد راه آهن در همین نقطه مرتفع درست کرده اند که حمل و نقل سنگ و سایر ملزومات لوازم نقطه

ضرورت [illegible] کرده نمایند پس از طی قدری مسافت از قایقها بیرون آمده با راه

آهن بفاصله ده دقیقه راه کارخانه اسباب چرخ حفر کانال است رفتیم

ارتفاع هر چرخ چهار ذرع و بلندی بیست [illegible] از آهن به ترکیب جعبه و قوطی چوبی درست و با بچرخها

کلفت بهم وصل است دهنه این جعبه و قوطی ها به کشیدن خاک اندازه است در جلو این چرخ از آهن

بطرز اسباب [illegible] است که زمین را شخم میکند و کاو آهن میگویند نصب شده که بگردش چرخ

آن کاو آهن زمین را [illegible] جا ریگ و خاک را می کند و بین جعبه و قوطیها میریزد

الحاصل جعبه و قوطیها [illegible] بحرکت [illegible] باطراف می پاشند و هر یک از این چرخها [illegible] نفر

بگردش آمده و هر یک چرخ روزی عوض پنجاه نفر عمله کار میکند

عمله ها را آن جعبه ها [illegible] تخته را بهم [illegible] یک نفر عمله [illegible] صندوق

ها را آن (فرقه) دارد در کمال سهولت [illegible] حمل و نقل میشود

در مکان (البلقیس) کارخانجات [illegible] درست و راه آهن [illegible] بلند

و هر یکی [illegible] بعد از تماشای این دستگاهها باز [illegible] وقت عصر [illegible] روز

وارد شهر (قنطره) شدیم وجه تسمیه از این بابت است که پل بزرگ چوبی که [illegible] عبور و مرور قوافل

دیگر درست کرده اند در این شهر که کمپانی در مدت سه سال بنا و آباد نموده اند عمارت [illegible] مطبخ [illegible]

و مریضخانه و [illegible] خانه و سایر ملزومات شهری ساخته شب در منزل کمپانی [illegible] غذا خوردیم

روز پنجشنبه ۱۷ ذی القعده و ۱۳ اردی [illegible] از (قنطره) با قایق روانه شدیم این چرخهای سابق الذکر

در کار بودند بعضی از روی آب ریگ [illegible] به نقطه ای بزرگ چرخ [illegible] در جای

ریگهای [illegible] باطراف میریزد تا رسیدیم بدریاچه موسوم به (اسماعیلی) که از این جا تا [illegible] دریای

(مدیترانه) سی کیلومتر مسافت است این دریاچه [illegible] شور [illegible] است (کانال)

[illegible] از وسط این دریاچه [illegible] گذشت [illegible] نقطه [illegible]

[illegible] نقطه ای هر کدام دوازده متر طول داشت [illegible] نقطه دیگر [illegible]

[illegible] نقطه ای [illegible] را [illegible] عموزاده [illegible]

[illegible] (دانه) [illegible] داده اند وقت غروب وارد بندر

(پورت سعید) شدیم کمپانی در این بندر [illegible] آبادی [illegible] متعدده و عمارات

متعلقه [illegible] وقت [illegible] خانه [illegible] درست کرده [illegible]

از روی [illegible] ساخته [illegible] جمیع [illegible]

[illegible] دکان [illegible] خانه [illegible] اطفال

[illegible] وجه تسمیه این بندر از این جهت [illegible] (سعید پاشا)



تقریباً

و شوری دریا گرفته مهمات صرف می‌نمودند بالمره محتاج نشدند از آنجا که از (اسماعیلیه) تا بندر
(پورت سعید) که هشتاد و کیلومتر مسافت دارد از زیر زمین، لوله‌های آهنی محکم بقدر یک ذرع
نیز کمپانی آورده بخانات و ادارات شهر صرف می‌نمایند و در هر نیم فرسخ حوض آهنی بزرگ در کنار
وضع نموده و آب علی الاتصال جاری مهمات دهات بین بمصرف میرسانند
این دستگاه چرخ را خیال کمپانی براین بوده ... دستگاه ... روزی عوض پنجاه هزار عمله
کار بکند اما الآن روزی چهار پنج هزار نفر کار میکند بغیر از طایفه فرانسه و یونان چهار هزار نفر
دیگر ... دستگاه چرخ حاضر بود و بهر نفری از عمله روزی دو فرانک اجرت میدادند
در این بندر (پورت سعید) چون مقدم ... بحر (مدیترانه) خارق العاده است و اپرهای ...
در اینجا لنگر انداخته اسباب تجارت ... مخصوص ... بجهت رفع این خطر ...
از یکسمت دریا بطول شش هزار و سیصد متر و طرف دیگر بمقدار دو هزار و سیصد متر از سنگهای بزرگ
مصنوعی ... آب ... دیوار ... از وسط این دو دیوار داخل لنگرگاه
شده از صدمه امواج و تلاطم فوق العاده محفوظ در اینجا باشند فاصله این دو دیوار ... چهارصد
متر قرار داده اند

بعد از تماشا و گشت همراه اوضاع کمپانی روز شنبه ۱۹ ذی القعده و ۱۵ اردی ... از پورت سعید
با واپرهای کوچک ... قدری ... همراه ... بعد از ...
از کشتی ... روانه شده حوالی غروب به (اسماعیلیه) آمدیم

و کمپانی شروع بحفر این کانال نموده باسم او نامیده شد
در این بندر لنگرگاه بزرگی که بجهت ... واپرها درست کرده‌اند ... متعلق ... مستقیم ...
روز جمعه ۱۸ ذی القعده و ۱۴ اردی ... در پورت سعید ... بتماشای کارخانجات بخاری
و چرخهای بزرگ و کوچک رفتیم در این مدت ده سال در این شهر ... کمپانی ...
و عقد ... تجارت جمیع ملزومات حفر (کانال) را در اینجا درست نمایند و ...
راه آهنی موقتی بجهت حمل و نقل ... در کار است
بتماشای کارخانه ... رفتیم ... کارخانه ساختن سنگهای مصنوعی ...
... ریگ و آهک ... آب ... بخار ...
... ریخته ... چرخ ... ریگ ... بقیه شده است
بحرکت ... ریگ و آهک ... ممزوج و محلول نموده بعد در زیر این چرخها ... بزرگ
گذاشته شده و این ریگ و آهک ... شده با حرکت ... چرخ ... بر آن ...
با راه آهن موقتی ... کارخانه است ... بزرگ ... طول آن
... ذرع ... ذرع است ... بعد از چند ساعت منجمد میشود بعد از این سنگها ...
آب ... و انجماد آن ... میشود ... روزی ... هزار ...
سنگها ... این است که ... را ... کنند
کارخانه ... دیدیم ... آب ... بندر جاری کند آب ...

دلوری

روز یکشنبه ۲۰ ذی‌القعده و ۱۰ اوریل قبل از طلوع آفتاب از (اسماعیلیه) به بندر (سوئیش) با
(کانال) شیرین روانه شدیم این کانال را مانند خط مستقیم درست کرده و شش نفر شصت طول او است
اطراف این نهر را از جهت محافظت از جریان ریگ نی زار و درختهای گز نشانده‌اند و در حوض راه‌ها
خانه‌های رعیتی ساخته به زراعت مشغولند و مشرف ... از طرف حکومت مصر تربیت می‌شوند همان روز وقت عصر
به جایی رسیدیم که مشهور به نهر (فرعون) بود و آثار ... دیگفته ... قریه ... رسید
از همه جای مقام که گفته جاهای ... این نهر از زمان آثار قدیمه است بکلی خراب شده
از شب رفته به نیم ساعتی بندر (سوئیش) رسیدیم ... در (هوتیل) بزرگی که در بندر (سوئیش) است
ساخته است آمدیم ... شبهای گذشته ... در نهایت نزهت در آنجا اقامت ... کرده
که بعضی مقامات این جمعیت ... بود و این که صد نفر ... در اطاقهای مخصوص ... خواب
ممتاز قرین امکان راحت شدیم بندر (سوئیش) امروز حالت آبادی و شهرت زیاده پیدا
و به واسطه اتصال این دریا از جمله بنادر معروف خواهد شد چند نفر از قنسولها در اول صبح به دیدن ما
آمدند ... از آثار معتبره معروف مصر است بیست قنسول دولت علیه ایران مقیم است
بحر (احمر) چنانچه معلوم همه مردم است جزر و مد دارد از صبح تا حوالی ظهر رفته رفته آب دریا عقب می‌نشیند
مد به حدیکه ... آب ... گشته می‌شود و بعد از ظهر باز به حالت اولی عود می‌نماید ... ببینیم
ملاحظه و اپورها و سفاین بزرگ در ... لنگر ... می‌زنند و ... ساحل ...

شهر (فرعون) همان قلعه ... که گویند

... مشهور فقرات ... که نهر ...

شهر سوئیش در سمت مشرق قاهره مصر
مسافت ۱۳۵ کیلومتر واقع شده

با واپورهای کوچک به واپور بزرگ می‌رود
روز دوشنبه ۲۱ ذی‌القعده و ۱۱ اوریل (کرم ذات) واپور تجارتی فرانسه به بندر (امیراطبس)
این ... صاحب منصب تجارتی دعوت صرف ناهار به واپور نموده بود قبل ... نموده
صبح با واپور کوچک ابتدا به تماشای حوض بزرگی که کمپانی ... تعمیر واپورها درست نموده‌اند
از (سوئیش) درست می‌کرد رفتیم عجایبات و چرخهای ... که در کار بعضی راه‌ها ...
به جهت کشیدن خاک و ریگ از حوض ... در کار بود اول زمین حوض را خیلی عمیق کنده
ابتدا ... از اطراف ... مکرر با طلمبه آب را بیرون ریخته وقت ... سطح ...
با سنگهای بزرگ و آهک ریخته کاری کرده و بر سنگهای بزرگ ... شده دیوارها بالا ...
حوض عرض طول عمق دیوارهای حوض
... ذرع ... ذرع ... ذرع ... ذرع
بعد از مشاهده آنجا به تماشای واپور تجارتی دولت انگلیس که (کانادی) نام داشت ... رفتیم از آنجا
به تجارتی دولت فرانسه موسوم به (تیقش) رفتیم پس از صرف چای در این واپور به واپور
(امیراطبس) که دعوت شده بودیم وارد شدیم عجایبات ... واپور ... از اول ...
و هندوستان بود با ... صف کشیده سلام استقبال کردند ... از صرف ...
واپورها ... در اروپا ... بسیار ... حیرت و تعجب بود ... قدرت

کاناد
اسم جزیره‌ایست دیگر ... که مشهور به (کریتیا) است

تیقش
اسم جنگ است

۱۳۱

با نقشه رئیس اسب داشته و هر کدام مقدار یکهزار و پانصد (تن) بود اغلب این قبیل جهازات و سایر جهازات

تجارتی بطرف هندوستان و چین و جزایر میرفتند بالجمله مزاج بسیار بزرگی مشغول شده بود و کمپانی دولتی

مهمان در اطاق بزرگ همین دایره صرف ناهار نمودیم جمیع ظروف میز نقره و اسم ...

مرتسم بود در سر سفره مکرر بسلامتی سلاطین دول کافه الدوله و مسیو (لسپس) رئیس کمپانی و ...

صرف شربت شد در کمال احترام و توقیر میزبان با ما بنا بود که مزید بر آن متصور نمیشود

وقت عصر به (سویش) آمدیم یکی از متعلقان امیرشان محترم شرعی ... بمأمورین ...

کرد که چون مسیو لسپس و اعضای کمپانی در اراده مهمانداری ... در این چند روز تفرج و سیاحت (کانال)

منتهای محبت و اتحاد بعمل آورده در ازاء این همه زحمات کمپانی لازم است مأمورین مذکوره ... مبلغ

شفقت نمائید ... یک قطعه مدال طلا بجهت مسیو لسپس و چند قطعه مدال از (...)

ونقد به اجزا ایشان از طرف مأمورین برسم یادگار و هدیه داده شود ... بکمال طیب نفس و رغبت

خاطر مبلغ مزبور را دادیم

وقت عصر همین امروز جمیع مأمورین سفارت و تجارت با راه آهن روانه بطرف مصر شدیم ...

به قهوه خانه رسیدیم ... از طرف کمپانی حاضر ... چون ...

صرف شام ... بمصر برسیم ... این مقدار ... مسافت را از سویش

تا مصر در هفت ساعت آمدیم ... که در شهر مصر منزل داشته منزل

(تن) معادل ... هزار مثقال است ... قرار یکهزار و پانصد (تن) معادل میشود ... هزار ... هزار مثقال

مسافت ... از بندر سویش تا ... ۱۷۰ کیلومتر ... حساب شود

۳۴ فرسخ

خود رفته و هر کدام ... در اسکندریه منزل داشته از مسیو لسپس ... تا اسکندریه بود

مسیو (لسپس)

رئیس کمپانی فرانسه شخص است وسیع الصدر ... در علم و فنون ماهر در علم ...

در سن ... ۶۰ ... در مقام ... در ذکاوت و ...

وحید عصر

بنده درگاه راقم این اوراق چند روز در مصر ...

... توقف کرده در یوم پنجشنبه ۱۲ شهر ذی‌الحجه الحرام ۱۲۸۱ از شهر مصر باتفاق ...

میرزا حسین خان قونسول جنرال دولت علیه ... میرزا ... جنرال قونسول ...

... با راه آهن تا محل (طنطا) آمدیم ...

وقت عصر وارد شهر (اسکندریه) ... منزل کردیم شب ...

رفتیم این تماشاخانه را قونسول جنرال دولت ... اسکندریه ...

دولت علیه ... بهتر از تماشاخانه ...

... (مقدم) بود

کرایه راه آهن از مصر تا اسکندریه از جنرال قونسول ... کمپانی ...

از مصر تا اسکندریه طول ... آهن ... کمپانی انگلیس ساخته ...

۱۳۱ میل

چهل و سه فرسخ و چیزی زیادتر باشد هر دو ساعت شش ساعت طی مسافت از اسکندریه بمصر میشود

و در ده محل برای ورود و خروج مسافرین و حمل بار کالسکه ها چند دقیقه مکث میکند

کافر دوار	ابو حمص	دمنهور	تل بارود	کفر الزیات
طنطا	برکة السبع	بنها العسل	طوخ	قلیوب

اسکندریه بنا بر کتب تواریخ از بناهای اسکندر رومی است سیصد و سی و چهار سال قبل از میلاد حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام بنا شده و ثانی شهر (مصر) میخوانند

در میدان (منشیه) در اسکندریه اسمعیل پاشای خدیو مصر تمثال جد خود محمد علی پاشا را در دولت سواری با علامه از چدن ریخته شده نصب کرده اند

۱۲۸۱ روز سه شنبه ۱۳ شهر ذی الحجة الحرام پس از صرف غذا در خانه (ژوزف زغیب) قونسول دولت علیه مقیم اسکندریه که مرد عاقل و کارآگاه و متمول و با ثروت است برادر تجارت دولت ... حضرات مراسم معاملات ابدی آید جناب حاجی میرزا جعفر اصفهانی که شخص عالم و حکیم و در سلک فقر و کسوت درویشی مسلک است باتفاق بنده درگاه در واپور موسوم به (ارشیدوق شارل) که اسم یکی از شاهزادگان دولت نمسه و بسیار کشتی سریع السیر و خوبی است زده بود وقت عصر از اسکندریه تحرک چرخ و حرکت بسمت اسلامبول شد بعد از مشاهده جزیره (رودس) و (ساقز) و (ازمیر) وغیره

روز شنبه ۱۷ ذی الحجة الحرام وارد اسلامبول و آنچه در اوضاع (کانال) ملاحظه و مشاهده شده

[illegible]

محسنات و نفع و ضرر این راه جدید الاحداث به دولت علیه بعد از فهم ناقص مطلع شده بعد از عرض سفارت سنیه بوزارت امور خارجه دولت ابد مدت علی التفصیل نوشته و فرستاده شد

پس از مرور دو شبانه روز مسیو (الپیس) که یکی از صاحب منصبان سفارت فرانسه که همراه کرده بود یک قطعه تصویر جلو را بطرز مدال از چدن ریخته در یک صفحه آن صورت خود منقور و در صفحه دیگر آن اسامی شش و چهار نفر صاحب منصبان سفارت و مأمورین تجارت ممالک است محفوظ کار و برسم هدیه فرستاده و یک قطعه باسم این بنده درگاه ارسال داشت که بالفعل موجود است

چنانچه سمت ذکر یافت کمپانی با جد و جهد تمام بکار خود مشغول و در سه سال دیگر امید دارند از اتمام حفر (کانال) و اتمام ساختن چیزهای دستگاه چرخ و عمله فراهم آورده و در پرورش از آنچه که بال این کارخانه و استوار که در کره ارض مرتبه اول شمرده میشود باتمام و انجام رسانند انگاه عیدی تمام بجشن ترتیب چند نفر از سلاطین و ولیعهد و شاهزادگان فرنگستان به اسلامبول آمده با اعلیحضرت سلطان عبد العزیز خان بملاقات ... و از طرف دولت علیه ... مصر شده و چند نفر از سفرای مقیمین در دربار دولت عثمانیه بنا به تحصیل اجازه از دولت متبوعه خودشان در آنجا ... باز ... بطرف مصر عازم شدند

هلال ... قریب پانصد هزار نفر از نجبای فرنگستان و اسلامبول و سایر شهرها در آنجا باشند

[illegible]

۳

میستر الیوت سفیر کبیر دولت انگلیس

جنرال اغناتیف سفیر کبیر دولت روس

بارون پروکش سفیر کبیر دولت اطریش

اخراجات بهیه سلاطین و شاهزادگان و بزرگان فرنگستان در این ده شبان و روز از ناگزیر

و مشروبات و جشن و غلبه و غیر ذلک جمیعاً با خدیو مصر بود   از قراریکه به تحقیق پیوست معادل مخارج

ملیون فرانک و ده کرور تومان ایران باشد در چنین دعوت و ضیافت   که در هیچ روزگار از این

و از خیال هیچ صاحب حشمت و مکنت نمیگذشت مخارج خدیو مصر شد   بدین واسطه نام نیک در صفحه

روزگار به یادگار گذاشت   و در تواریخ اروپا و آسیا اسم بلند او سر دفتر گردید مفاد مصراع حکیم

عنصری مصداق حال خدیو مصر آمد   چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار

با جمله در روز چهارشنبه دوازدهم شهر شعبان المعظم ۱۲۸۶ هجری مطابق ۱۷ ماه نوامبر ۱۸۶۹ مسیحی در اول وقت   رقیمه (دو جایم انتقال یافت) ۱۲۸۶

اثم تشرین ثانی رومی و هفتم تشرین ثانی فرنگی ۱۸۶۹ عیسوی آب را از بحر (مدیترانه)

به باب بحر (احمر) جریان دادند جمیع قطعه واپور سلاطین و سفرا و ارکان اقلیم مصر از کانال

عبور و برای تعیین سیاحت و تماشای این امر معظم نمودند   پس از اقامت ده روز در آن سلاطین

و ولیعهدها و شاهزادگان و سایر مدعوین ممالک به وطن خود معاودت کردند

بنا بر بعضی تکالیف خدیو مصر چندی بود اسباب نفاق و کدورت فیمابین اعلیحضرت سلطان و خدیو مصر

از زیاد یافته و نزدیک به تمیز شده که کار بجنگ و جدال بکشد   در این بین (امپراطریس) فرانسه

که بیاناً دیده اعلیحضرت سلطان با چند نفر از شاهزاده خانمها به مسجد مبارکه صلح در بین دیده فیمابین

سلطان و خدیو صلح داده و اطفای نایره خصومت بکند   مادامی که در سنه [illegible] مسلح بود دولت عثمانیه اطراف

[illegible]

بغرا از فیشی و لغایح در ساعت نزد   پس از آنکه به معرفت خدیو مصر او بانجام رسید انگلیز را به بهانه

مصلحت امر عدیت و احتمالات کرد عنادی کرد در صفحه سنه طرفین عارض شده بود و دو بولیح

و خصومت جانبین قطع شد

مخصوصه به واسطه رفع اجابت و گلستان عدن و مشارف و مخارج کانال آماده شده

عموم مردم و کافه ناس از این تحمل زحمات و صدمات متوالیه و متواتره که بنا در این چند سال و تمام

دو بر جست گرفته بعضی منقطع و عاجز باشند و به بند   در واقع بس عالی از مغرب به مشرق زمین باز کرده

تا تا بنامی و سرمایه هواده مترکب باندازه استطاعت خود در این راه صرف کرده و کمپانی دول

عالیه الملع بهم رسانید که بعد از این از منافع عایده از کانال به واسطه عبور سفاین و کشتیهای

تجارتی هر کس بقدر حصه و سهم خود از خوف بهره مند شود   روزنامه مرقوم به (جریده حوادث) مستطعم

در اسلامبول در نمره ۱۳۸[illegible] به تاریخ ۱۷ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۸۷ هجری از مخارجات و گلستان ترجمه کرده از اخراجات

مخارج

[illegible] ملیون و [illegible] فرانک   هر فرانک که [illegible]

چهار صد و [illegible] ملیون و [illegible] هزار و [illegible] فرانک

کرور [illegible] ۸۵۰ [illegible]

کانال دریا [illegible]   [illegible]   ۹ [illegible]

[illegible]

